

اعجاز حقوقی قرآن

قرآن با اشاره به مبانی و اصول حقوقی، اعجاز معارف قرآن را به نمایش گذاشت تا جایی که قوانینی عالی از فردی درس ناخوانده و آرایه آن در نظامی هماهنگ و دارای ویژگی‌های خدامحوری و مبتنی به وحی و عدالت‌محوری است.

قرآن با اشاره به مبانی و اصول حقوقی، اعجاز معارف قرآن را به نمایش گذاشت تا جایی که قوانینی عالی از فردی درس ناخوانده و آرایه آن در نظامی هماهنگ و دارای ویژگی‌های خدامحوری و مبتنی به وحی و عدالت‌محوری است.

نظام حقوقی قرآن دارای ویژگی‌هایی است که جمع آنها در تشریعات بشری وجود ندارد و تا زمان نزول قرآن، بشریت بدان راه نیافته بود و همیشه همراه با ادعای نبوت و تحدی بوده است. اعجاز حقوقی قرآن دارای ابعاد متعددی است. آرایه نظام حقوقی ممتاز، هماهنگ، مترقی، مطابق فطرت و مبرای از هر گونه خطای افراطی و تفریطی در عصر جاهلی و رکود فوق العاده فرهنگی؛ تأثیر و نقش آفرینی ممتاز آن نظام در تحول جامعه؛ نحوه ورود و آرایه تک تک قواعد و دستورات حقوقی به شیوه‌ای بدیع به همراه مبانی متقن، امری تحیرآور است.

از سوی دیگر، با نظریه‌پردازی‌های حقوقی در قرآن مواجه هستیم که بعد از صدها سال بشر به آن پی برده است و بلکه در مواردی به رغم گذشت قرن‌ها بشر هنوز به رمز و راز تمام ابعاد آنها پی نبرده است؛ لذا این بُعد زیر مجموعه اخبار غیبی است. از دیگر ابعاد اعجاز حقوقی قرآن، ویژگی‌های اساسی موجود در تشریع احکام و نظام حقوقی آن است.

مواردی مانند خدامحوری؛ ابتدائی بر وحی؛ نظام مند بودن مکتب حقوقی قرآن؛ ارتباط قوانین حقوقی با صفات حق تعالی؛ عدالت محوری حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی؛ مطابقت مقررات با فطرت بشری؛ یُسْرگرای و در حد طاقت بشر؛ بیان عام و پرهیز از ورود به جزئیات، تدریج در بیان احکام؛ ابتدائی احکام بر مصلحت و مفسده؛ جامعیت؛ عقل‌گرایی؛ پرهیز از وهم و خرافه؛ سبک‌های مختلف بیان احکام؛ ضمانت‌های اجرای قانون و... از جمله اصولی است که نظام حقوقی قرآن مبتنی بر آن است. این نوشتار در راستای تشریح ابعاد این اعجاز به صورت اجمالی و با ذکر نمونه‌هایی از اعجاز تشریعی قرآن سامان یافته است.

کلید واژه‌ها: قرآن، اعجاز، تشریع، حقوق، اعجاز حقوقی.

مقدمه

بی‌تردید، مباحث حقوقی با تمام تنوعش یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی بشر می‌باشد و با تأمل در قرآن درمی‌یابیم که قرآن نه تنها به این مباحث توجه داشته، بلکه یکی از ابعاد اعجاز به شمار می‌رود؛ بدین معنا که قرآن در قسمت احکام (فردی و اجتماعی) و حقوق (تنظیم روابط اجتماعی افراد جامعه) راهی را پیموده که تا آن روز، بشریت بدان راه نیافته بود و تا ابدیت بدون راهنمایی دین، دستیابی به آن امکان پذیر نیست.

تشریعات قرآن همه جانبه و کامل است و بدون هیچ‌گونه کاستی بر بشریت عرضه شده و از هر گونه آلودگی و خطا پاک و از خرافات به دور است. اعجاز حقوقی دارای جلوه‌های متعددی می‌باشد و نظریه اعجاز تشریعی مبتنی بر جمع میان این ویژگی‌هاست؛ بدین بیان که جمع میان این ویژگی‌ها امری خارق‌العاده به شمار می‌آید و با توجه به مقرون بودن با ادعای نبوت و تحدی، تعریف اعجاز بر

1- قوانین عالی از فردی درس ناخوانده

یکی از ابعاد اعجاز قرآن در عرصه علمی و به طور خاص در بعد حقوقی و قانون‌گذاری، نزول قرآن بر زبان پیامبری امّی و شخصی درس ناخوانده در عصر خمودگی و خموشی علمی بشر است؛ عصری که معلومات بشر در گستره علوم طبیعی و انسانی بسیار اندک و اغلب خطاآمیز بود و افکار و اندیشه‌های خرافی بر فرهنگ و روابط اجتماعی افراد جامعه استیلا داشت و شرایط لازم برای تدوین قوانینی مترقی فراهم نبود. با آن حال، قرآن کریم با اقیانوسی از معارف و آموزه‌های انسان‌ساز، نظامی مترقی و هماهنگ و مطابق با فطرت انسان‌ها ارایه نمود و ایده و راه جامعه بهره‌مند از حیات طیبه را نشان داد.

قبل از طلوع اسلام مردم در جهل و انحطاط علمی به سر می‌بردند. در آن دوران تاریک، اختلافات نژادی، قانون زور و هرج و مرج اجتماعی بر ملل جهان، به ویژه عرب، حکومت می‌کرد. قوم عرب قبل از اسلام از عقاید خرافی بهره فراوان داشت و از یک قانون و نظام اجتماعی واحد محروم بود. بت‌پرستی، زنده به گور کردن دختران و... از رسوم آنان بود. ولی با درخشش نور اسلام در مکه، توحید جایگزین بت‌پرستی و علم و فضایل بدیل جهل و ردایل شد.

پیشرفت‌ها، امتیازات و افتخاراتی که نصیب مسلمانان شد، در اثر تعالیم عالی قرآن مجید بود که بر تمام کتاب‌های آسمانی برتری دارد و قوانینش مبتنی بر عقل و قانون‌گذاری آن میانه‌رو و معتدل است؛ برای مثال، در مورد انفاق چنین تذکر می‌دهد: وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا (اسراء/29)؛ «و دستت را بسته شده به گردنت قرار نده، (و ترک بخشش نکن) و آن (دستانت را برای بخشش) به طور کامل نگشا، تا سرزنش شده [و] درمانده بنشینی».

قرآن مجید مردم را به عبادت خداوند، تفکر در آیات الهی، تجویز معاملات و تحریم ربا، امر به ازدواج برای تأمین نیاز فطری، خوش‌رفتاری با همسر، امر به معروف و نهی از منکر و ... دعوت می‌کند؛ بنابراین، قوانین قرآن و تعالیم اسلام به گونه‌ای است که تمام مصالح فردی و اجتماعی را در نظر گرفته و قوانین آن به نحوی تنظیم شده که تمام نیازمندی‌های مختلف جوامع بشری را شامل و تمام جهات معنوی و اخروی را در بر می‌گیرد؛ یعنی هم به امور زندگی می‌پردازد و هم بر اصلاح جهان آخرت نظارت می‌کند.

یکی از مسائل مسلم در زندگی رسول اکرم (ص) بسیار روشن و انکار نشدنی، «171#امّی» بودن آن حضرت است؛ بدین معنا که آن حضرت نه خوانده بودند و نه نوشته بودند و نه اساساً معلمی دیده بودند. این مسأله آن قدر مسلم است که خاورشناسان معروف غربی نیز در کتب خویش به این حقیقت اعتراف دارند.

بر این اساس، صدور الفاظی مانند کلمات قرآن کریم که آن همه جنبه‌های اعجازی اعم از فصاحت، بلاغت، اسرار خلقت، اخبار غیبی و... در آن نهفته است، از چنین شخصی، قطعاً دلیل آن است که این کار، خدایی است و این علم، علمی است که از طریق وحی کسب شده است. قرآن کریم خود در این باره می‌فرماید: وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخْطُّهُ بِيَمِينِكَ إِذًا لِأَنَّكَ الْمُبْطِلُونَ (عنکبوت/

48؛ و پیش از این (قرآن) هیچ کتابی نمی‌خواندی [و پیروی نمی‌کردی] و با دست راست آن را نمی‌نوشتی؛ در صورتی که (اگر می‌خواندی و می‌نوشتی) حتماً، باطل‌گرایان شک می‌کردند».

2- تأثیر قرآن در جامعه‌سازی و تحوّل حقوق اجتماع

یکی دیگر از ابعاد اعجاز حقوقی قرآن، تأثیر نظام حقوقی آن در تحول جامعه (جامعه‌سازی نظام حقوقی قرآن) است که امری بدیع و تحیرآور است. قرآن در یک نظام کاملاً جاهلی نازل شد که کمترین بهره‌ای از تعالی اخلاقی و حقوقی در آن به چشم نمی‌خورد، ولی می‌بینیم در مدت نسبتاً کوتاهی تعلیم قرآن و تلاش رسول اکرم(ص) باعث تحول روحی اساسی در جامعه و توده‌های مردم گردید. این امر، بی‌تردید، یکی از مظاهر اعجاز کاربردی قرآن می‌باشد.

جامعه‌ای که در آن زنان از حداقل حقوق بی‌بهره بودند و زنده به گور کردن نوزادان و شراب‌خواری و جنگ‌های طولانی به خاطر اهدافی بسیار کودکانه از شاخصه‌های آن است، بر اثر تعلیمات قرآن به اوج انسانیت و ایثار نزدیک می‌شود. البته اسلام برای معالجه عادات مذموم و ریشه‌دار در دل‌های مردم و ارتقای فرهنگی آنها از شیوه تدریج استفاده کرده است و به تدریج، بدون به کار بردن شدت عمل در نهی و تحریم، توانسته به اصلاح آنها اقدام نماید؛

برای مثال، برای حذف شراب در زندگی مردمی که حیاتشان با آن مخلوط شده بود، با تحریم تدریجی و یک شیوه حکیمانه، آن را از زندگی مردم دور نمود بدون اینکه حرج و سختی آن را احساس کنند. لازم به ذکر است هرچند که این بعد از اعجاز قرآن کمتر موشکافی شده، ولی بحث و تحقیق گسترده‌ای را می‌طلبد که در صورت ارایه صحیح می‌تواند یکی از ابزار جدی برای جذب افراد به سوی قرآن و آموزه‌های آن باشد و حیثیت کاربردی دین را در جامعه مطلوب به خوبی محقق سازد.

3- ارائه قوانین در نظامی هماهنگ

نحوه ورود و ارایه قواعد و دستورات حقوقی مبتنی بر مبانی حقوقی به شیوه‌ای ممتاز و در قالب نظامی هماهنگ یکی دیگر از ابعاد اعجاز حقوقی قرآن است؛ به گونه‌ای که کمترین اختلاف، تهافت و ناسازگاری در قوانین قرآن وجود ندارد، وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا (نساء / 82) همچنان عرضه و نهادینه شدن قوانین آن در مدتی بسیار کوتاه، یعنی بیست و سه سال، نیز خود مسأله‌ای شگفت‌انگیز و جالب توجه است.

از نمونه‌های اعجاز تشریعی قرآن کریم، ممنوعیت شراب‌خوری است. شراب‌خواری و مصرف الکلی یکی از این عادات ناپسندی بود که از دیر باز و قبل از حضور اسلام در شبه جزیره عربستان رایج بود. هر چند جوامع به اصطلاح متمدن امروز نیز در این بلای جسم و جان سوز غوطه ور هستند و هر ساله آمارهای تکان‌دهنده‌ای از آثار تخریبی آن در میان جوامع به گوش می‌رسد، لیکن اسلام با توصیه‌های اعجاز‌گونه خود در زمانی که حتی شراب را با نفع و فایده می‌دیدند، پیروان خویش را از آن نهی نمود، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ (نساء / 43) و در آیه‌ای دیگر، شراب را پلید و از عمل شیطان معرفی کرد، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوا لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ... (مائده/90).

همگام با این آیات، روایات معصومان: نیز بر شدت زشتی آن اشاره داشته، آن را «ام‌الخبائث» (ریشه و مادر زشتی‌ها) (حرعاملی، مستدرک الوسائل، 139/1) دانسته و دائم الخمر را هم‌ردیف بت‌پرست (مجلسی، بحارالانوار، 164/65) معرفی می‌کنند. در روایتی دیگر نوشنده و نوشاننده، خریدار و فروشنده و خلاصه تمامی کسانی را که در بساط این منکر شریک‌اند، لعنت می‌نماید» (نهج الفصاحه، 627، حدیث 2229).

حال این سؤال مطرح است که قرآن که بعضی از روش‌های اعراب قبل از اسلام را تأیید می‌کند یا بسیاری از امور را که برای جسم و روح ضررهایی دارد، در حد مکروه نهی می‌کند، چگونه چنین تحریم سختی را برای مسأله شراب و شراب‌خواری در نظر می‌گیرد؟ انسان عصر نزول به یقین مضرات عمیق شراب را نمی‌دانسته، ولی اکنون به برکت رشد علم و صنعت، بسیاری از این آثار ناگوار کشف شده است.

ارنست رنان، مورخ فرانسوی، در این باره می‌نویسد: «دین اسلام پیروان خویش را از بلاهای چندی از جمله شراب و خوک و لعاب دهان سگ نجات داده است» (اهتمام، فلسفه احکام، 156؛ امین شیرازی، اسلام پزشک بی‌دارو، 46، رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، 335). شراب عقل را زایل می‌کند و آدمی را از حوزه انسانیت خارج می‌سازد. در حوزه مسایل اجتماعی روحیه جرم و جنایت را دامن می‌زند و زمینه تصادفات، قتل‌ها و خودکشی را فراهم می‌کند که آمارهای منتشره مؤسسات تحقیقاتی غربی گواه این مدعا است (ر.ک: رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، 335).

زیان‌های اقتصادی که از سوی مشکلات و دردهای جسمی حاصل از الکلیزم بر فرد و جامعه وارد می‌شود، بخشی دیگر از آثار الکلی است. علاوه بر آن، ضررهای معنوی شراب‌خواری نیز جالب توجه است. دوری از معنویت و اخلاق انسانی که به از هم‌گسیختگی بنیان خانواده و روابط عاطفی والدین و فرزندان بر می‌گردد، بخشی دیگر از آثار زیان‌بار شراب است. اما آنچه پزشکان اسلامی و غیراسلامی بر آن متمرکز شدند، آثار زیان‌بار الکلی از نظر علم پزشکی است.

الکلی و شراب به طور شگفت‌انگیزی بر مغز و اعصاب تأثیر می‌گذارد و باعث اختلال در کار آنها و التهاب بخش‌های مختلف آن دو می‌گردد. علاوه بر اعصاب، بیماری‌های گوارشی چندی از قبیل خراش غشاهای مخاطی دهان و حلق، التهاب مری، سرطان مری، التهاب حاد معده و سرطان آن، التهاب لوزالمعده، تأثیر مستقیم بر کبد و ایجاد اختلال در جذب مواد غذایی در روده‌ها از آثار زیان‌بار شراب است. الکلی فعالیت‌های جنسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اختلال‌هایی در روند جنسی و اعضای تناسلی به وجود می‌آورد. نقش الکلی در ایجاد سرطان نیز از موارد دیگر آثار زیان‌بار این پدیده شوم است.

در تحقیقی که دکتر لورمی انجام داده، مشخص گردیده که 51 بیمار از 58 بیمار مبتلا به سرطان لوزه، زبان و حنجره از معتادان به الکلی بوده‌اند (دیاب و قرقوز، طب در قرآن، 41-158). شراب هم‌چنین تأثیر عمیقی بر فرزندی می‌گذارد که والدین آنها معتاد به آن بوده‌اند. یکی از پزشکان آلمان ثابت کرده که تأثیر الکلی تا سه نسل به طور حتمی باقی است به شرط اینکه این سه نسل الکلی نباشد (امین شیرازی، اسلام پزشک بی‌دارو، 44؛ نقل از علوم جنایی، ص 863؛ رضایی اصفهانی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، 346). آنچه گفته شد، فقط بخشی از آثار زیان‌بار کشف شده الکلی و نشان‌دهنده اعجاز قرآن در حکم به تحریم شراب است.

4- نظریه‌پردازی‌های حقوقی قرآن

نظریه‌پردازی‌های حقوقی قرآن نیز از ابعاد اعجاز حقوقی قرآن است که بشر بعد از ده‌ها سال به آن پی برده و در مواردی به رغم

گذشت قرن‌ها هنوز به رمز و راز آنها پی نبرده است؛ مانند طرح حق عبودیت به عنوان اصلی‌ترین و اولین حق در میان حقوق که سایر حقوق در راستای آن معنی و مفهوم می‌یابد؛ لذا مباحثی مانند توجیه جهاد و جنگ‌های اسلامی و احکامی مانند محکومیت سنگین برای ارتداد، توجیه‌پذیر و منطقی است. ممنوعیت سقط جنین و قائل شدن حق حیات حتی برای طفل در رحم یا رابطه نعمت‌ها و نعمت‌های دنیا با تقوا و گناه از نظریه‌پردازی‌هایی است که در آیات کریمه قرآن مطرح شده است. این مطالب مترقی را قرآن صدها سال قبل بیان کرده است و بشر امروز به اهمیت و تأثیر آنها پی می‌برد.

5 - ویژگی‌های خاص نظام حقوقی قرآن

ارکان و ویژگی‌های اساسی موجود در تشریع احکام و نظام حقوقی قرآن نیز از ابعاد اعجاز حقوقی قرآن است؛ ویژگی‌هایی که این نظام را از سایر نظام‌های حقوقی ممتاز نموده است و امتیازاتی دارد که مجموعه آن در تشریعات بشری وجود ندارد. برخی از این امتیازات بدین قرار است.

یک - خدامحوری

قرآن هدف از خلقت را معرفت، عبادت و تقرب به پروردگار بیان نموده است؛ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات/ 56). همچنین در نظام حقوقی اسلام، سعادت اجتماعی که هدف قریب هر نظام حقوقی است، وسیله ای برای رسیدن به کمال حقیقی او و تقرب به خداست (مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، 64) برای اثبات این مطلب می‌توان از آیه يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ (روم/ 7) و آیه فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى (نجم/ 25) استفاده نمود که طبق آنها ضرورت عدم غفلت از آخرت، ملازم با آن است که تمام نظام حقوقی اسلام با رویکرد تقرب به خدا باشد. توجه به توحید و مبدأ هستی در سراسر احکام حقوقی و عبادی دیده می‌شود.

از آن بالاتر، قرآن مبنا و محور تجمیع مردم را پرستش و عبادت معبودی واحد می‌داند و بر همین مبنا به دعوت اهل کتاب می‌پردازد؛ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ (آل عمران/ 64). با تأمل در قواعد حقوقی قرآن در می‌یابیم که در قوانین حقوقی اسلام به پیوند آنها با صفات حق تعالی توجه خاص شده است؛ مثلاً آیه مبارکه وَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا (اسراء/ 26) به عبارت ذَلِكْ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ مقرون گردیده یا از ربا به عنوان جنگ با خدا یاد شده است.

دو - ابتنای بر وحی

یکی از مهم‌ترین امتیازات نظام حقوقی قرآن، ابتنای آن بر وحی است. این مهم تفوق این نظام را بر نظام‌های بشری با تمام ضعف‌ها و محدودیت‌هایشان، موجب گردیده است. اساساً بشر به دلیل ضعف احاطه علمیش به ابعاد مختلف حیات انسان؛ جرم‌ها و مجازات‌ها نمی‌تواند الگویی جامع و کامل را ارائه نماید، ولی خداوند به دلیل علم و حکمت بی‌نهایتش می‌تواند با احاطه به تمام ابعاد انسان، نسخه صحیح و بی‌خطا را تدوین نماید.

در تکمیل این سخن، توجه به چند نکته مفید است: قرآن حتی لزوم پیروی رسول اکرم(ص) از وحی را به صراحت در ثه آیه مانند احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ (مائده/ 48) بیان می‌نماید. قرآن حاکمان به غیر حکم الهی را در پنج آیه مانند وَمَنْ لَمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ (مائده/ 45) به فسق، ظلم و کفر منتسب می‌نماید. قرآن در آیاتی مانند أَلَا لَهُ الْحُكْمُ (انعام/ 62) حکم را اختصاص به خداوند متعال نموده است.

قرآن در آیاتی مانند وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (آل عمران/ 189)؛ ملک (تدبیر و حکومت) را مختص به خداوند معرفی می‌کند و تدبیر جامعه و ولایت تکوینی و تشریعی را مختص به خداوند می‌داند. قرآن در آیاتی مانند وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ (رعد/ 11) خداوند را ربّ می‌داند. قرآن در آیات متعددی مانند وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره/ 213)؛ لزوم رجوع مردم به کتاب و احکام الهی را مطرح می‌نماید. قرآن در آیات متعددی مانند قُلْ أَلِلَّهِ أَذُنٌ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ (انعام/ 136) به نكوهش از کسانی می‌پردازد که برای خود حق قانون‌گذاری را قائل‌اند.

سه - نظام مند بودن مکتب حقوقی قرآن

قرآن و اسلام دارای نظامی حقوقی است که از مشخصات اصلیش، وجود انسجام و هماهنگی میان اجزای آن در راستای هدفی معین و مبتنی بر پیش‌فرض‌هایی روشن و خاص و بر اساس مستندات معینی می‌باشد؛ لذا این دیدگاه در نحوه نگاه به آیات بسیار تأثیر دارد. روشن است هر نوع قانون‌گذاری و تشریعی لازم است بر اساس پایه‌ها و اصولی بنا گردد که از آن برای بقا و دوامش در بین مردم کمک گیرد تا مردم نیز به عدالتش راضی و از حکمتش مطمئن باشند و در زندگی اجتماعی، مصالح فرد و مجتمع را تأمین نماید.

شریعت اسلامی دارای پایه‌ها و اصول ثابتی است و از چنان ویژگی‌ای برخوردار می‌باشد که مردم با اطمینان و اعتماد تمام آن را پذیرفته و در مقابلش تسلیم‌اند؛ چون قوانینش با فطرت سالم که خداوند انسان را بر اساس آن خلق نموده و غیرقابل تبدیل و تغییر است، هماهنگ می‌باشد و چنان‌که شواهد گواه است، قرآن عقل‌های سالم را مخاطب خویش قرار می‌دهد، به کار و کوشش تشویق می‌کند، به جهاد در راه خدا دعوت می‌نماید و منادی ایثار، آزادی، مساوات، احسان و نیکوکاری می‌باشد.

چهار - عدالت‌محوری

برخی معتقدند مبنای اصلی حقوق، عدالت است؛ لذا قانون‌گذار هم باید از قواعد عدالت پیروی کند و قاعده ای به عنوان حقوق قابل احترام و تبعیت است که حافظ عدالت باشد. به این نظریه «#مکتب حقوق فطری یا طبیعی» گفته می‌شود. برخی دیگر معتقدند مبنای حقوق، قدرت حکومت است نه عدالت و قاعده حقوق به پشتیبانی دولت همیشه محترم است، خواه هدف آن اجرای عدالت باشد یا نه. به این نظریه «#مکتب تحققی» گفته می‌شود.

قرآن کریم شالوده قوانین حقوقی را بسط عدالت برشمرده و عدالت از اصول حاکم بر مقررات حقوقی قرآن است؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَى أَنْ تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى (مائده/ 8) و وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّى يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْلِفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا (انعام/ 152).

مسأله عدالت و قسط و تحقق و پایداری آن از مبانی قوانین حقوقی قرآن است تا آنجا که هدف از رسالت پیامبران، برقراری قسط و عدل معرفی شده است؛ لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حیدر/ 5) و وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ (یونس/ 47).

پنج: حاکمیت ارزش‌های اخلاقی و معنوی

یکی از خصوصیات ممتاز نظام حقوقی قرآن، رابطه نظام حقوقی و اخلاقی در قرآن و حاکمیت اخلاق بر آن است، به نحوی که می‌توان اظهار نمود، نظام حقوقی قرآن از زیر مجموعه های نظام اخلاقی است و به همین جهت در قرآن احکام حقوقی همراه با احکام اخلاقی بیان شده است؛ وَادْكُرُوا اللَّهَ نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (مائده/ 7). این آیه، هنگام یادآوری پیمان‌ها و پایبندی به آنها، علم خدا را گوشزد می‌کند و آیات دیگر احکام حقوقی را با اتکای به صفات حق تعالی بیان می‌نماید (مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، 46).

احاطه شدن احکام به اخلاق فاضله در قرآن به وضوح هویدا است؛ مثلاً می‌فرماید: وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (فرقان/ 63)؛ «؛ بندگان (خاص خدای) گسترده‌مهر، کسانی هستند که فروتنانه بر زمین راه می‌روند و هنگامی که نادانان ایشان را مخاطب سازند، به آنان سلام (خداحافظی) گویند». خلاصه آنکه هدف نظام حقوقی قرآن، متناسب با هدف نظام اخلاقی - نظام استكمال و کمال انسان - می‌باشد.

شش - مطابقت مقررات با فطرت بشری

از خصوصیات نظام حقوقی قرآن، هماهنگی کامل قوانین حقوقی آن با فطرت سالم است؛ فطرتی که خداوند انسان را بر اساس آن خلق نموده است. عبادات در اسلام، پاک و خردپسند و موافق فطرت اصیل انسانی عرضه شده است. در این عبادات نه فقط نیایش شایسته پروردگار و تقرب انسان به درگاه الهی لحاظ شده، بلکه پاک‌سازی درون و پالایش نفس نیز مورد عنایت واقع گردیده است؛ لذا بر آیند این دو گرایش، موجب تعادل در ابعاد وجود انسان است: مُحْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ حَقَّاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ (بینه/ 5)؛ «؛ در حالی که حق‌گرایانه دین (خود) را برای او خالص گردانند، و نماز را بر پا دارند».

هفت - آسان‌گرایی و رعایت طاقت بشر

بر پایه تعالیم قرآن کریم، دین نیامده که بر مردم دشواری تکلیف را تحمیل کند، بلکه آمده تا آنان را از بار سنگین تیرگی درون رهایی بخشد؛ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (مائده/ 6)؛ «؛ خدا نمی‌خواهد بر شما هیچ تنگ بگیرد، ولیکن می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ تا شاید شما سپاس‌گزاری کنید».

قرآن شریعتی را ارایه می‌نماید که در آن به مردم زیاده‌تر از حد توانشان تکلیفی نمی‌شود و اصل حاکم بر مقررات آن، تسهیل و آسان‌گیری است؛ چون تکالیف اسلام جملگی در حد توان انسان و فاقد چنان مشقتی است که انسان نتواند آن را انجام دهد؛ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ (حج/ 78) و وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا (مؤمنون/ 62).

دستورات و الزامات حقوقی قرآن مقدور عملی میسور و در حد توان بشر است؛ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ (بقره/ 185). از این رو قرآن برای شرایط اضطراری، تکالیفی سبک‌تر و رخصت‌هایی را قرار داده است تا قوانین آن موجب مشقت نگردد؛ مثلاً در اسلام روزه ماه رمضان واجب است اما برای مسافر و مریض رخصت است.

هشت - دوری از خطا و گرایش‌های انحرافی

مبرا بودن از هر گونه گرایش‌های منحرف‌کننده که ممکن است در قوانین وضعی تأثیرگذار باشد. تجربه نشان داده که این امکان، در اکثر قوانین وضعی بشری تحقق یافته است. حتی انسان‌های بزرگ، هرچند سعی در پرهیز از گرایش‌های قومی، نژادی، منطقه‌ای، گروهی و صنفی نموده‌اند، باز ناخودآگاه در این زمینه دچار لغزش شده‌اند. امروزه بشریت از ناهنجاری این‌گونه قوانین وضعی، چه در سطح بین‌المللی و چه در محدوده‌های خاص، رنج می‌برد. اما قانون‌گذار اسلام خدای متعال است که عالم به همه چیز است؛ از این رو، خطا در قوانینش راه ندارد و نیز هوای نفس و تمایل به قوم و نژاد و منطقه‌ای خاص ندارد تا انحرافی در قوانینش پیدا شود.

نه - چند بعدی بودن

حیات انسان دارای سه بعد اساسی است: الف) رابطه با شئون فردی و شخصی خود، ب) رابطه با شئون اجتماعی و جامعه خود، ج) رابطه با خدا و آفریدگار خویش. در بعد سوم از رابطه انسان، اخلاق، معنویت و کرامت انسانی مطرح می‌شود. قوانین وضعی بشری، تنها شئون فردی و اجتماعی را جهت می‌بخشد و حتی به بعد فردی هم کمتر توجه می‌کند و از بعد سوم، یعنی رابطه با پروردگار، غافل است، در حالی که همین بعد به حیات انسان درخشش می‌دهد و او را کاملاً متعادل می‌سازد و به او چهره ملکوتی می‌بخشد.

اسلام، درباره شئون خاص افراد وظایفی مقرر داشته که آدمی را در پندار، گفتار و رفتار متعادل می‌سازد. نیز در تأمین مصالح همگانی و تضمین گسترش عدالت اجتماعی می‌کوشد تا جامعه‌ای سالم و سعادت‌بخش فراهم نماید تا از این طریق هر فرد به آسانی به حقوق طبیعی و مشروع خود دست یابد. اسلام علاوه بر این دو، انسان را به علو شرف و بلندای کرامت خویش آشنا می‌کند. جایگاه اخلاق و معنویت را در زندگی به او نشان می‌دهد تا او را از سقوط در «حیض»¹⁷¹؛ ذلت نادانی‌ها و وابستگی‌های پست نگاه دارد و به «عزت و رفعت»¹⁷¹ او قرار دهد.

اسلام، احکام و قوانین تشریعی خود را بر همین سه جهت بنیان نهاده تا مفهوم وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ (اسراء/ 70) را تحقق بخشد و از این راه، منصب خلافت الهی را که به او عطا کرده، جامه عمل بپوشاند؛ لذا خداوند بر انسان منت نهاد که او را این چنین به شریعت خود مفتخر نمود و او را به این زیورگران قدر آراست؛ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (آل عمران/ 164)؛¹⁷¹ به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [= و نعمت بزرگی بخشید] هنگامی که در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنان بخواند [و پیروی کند] و رشدشان دهد [و پاکشان گرداند] و کتاب [خدا] و فرزاندگی به آنان بیاموزد؛ در حالی که قطعاً پیش از [آن] در گمراهی آشکاری بودند».

لازم به ذکر است، مکاتب اصالت فرد و اجتماع، اهداف مختلفی را برای حقوق ذکر کرده‌اند، در حالی که قرآن هم مصالح فردی و هم مصالح اجتماعی را مورد توجه قرار داده است. در آیات و روایات زیادی انسان مورد تکریم قرار گرفته (برای نمونه، ر.ک: اسراء/ 70) و به عقیده و آزادی او در انتخاب دین احترام گذاشته شده است؛ لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ (بقره/ 256). حق مالکیت انسان محترم شمرده شده و از تجاوز دیگران به حق او نهی گردیده است.

از طرفی، به حقوق اجتماعی نیز توجه شده است و به همین دلیل برای سلامت جامعه نه تنها کشتن فرد در شرایط خاصی جایز، بلکه واجب قلمداد گردیده است؛ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ (بقره/ 179) و اینجا از مواردی است که بعضی از سیستم‌های حقوقی به دلیل ترجیح مصالح فردی بر اجتماعی در حقوق، مجازات اعدام را لغو کرده‌اند؛ بنابراین، به خوبی دیده می‌شود در نظام حقوقی قرآن، توازن بین مصالح فردی و اجتماعی برقرار است. برخی از حقوق‌دانان مصالح را به سه گروه فردی، عمومی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند و مصالح فردی را نیز به سه قسم تقسیم نموده‌اند.

الف) مصالح فردی

این مصالح سه گونه است.

1. مصالح مربوط به شخصیت انسان؛ مانند امنیت، سلامت بدنی، آزادی، امنیت معنوی و... . بسیاری از قوانین قرآن بر اساس این دسته از مصالح شکل گرفته است که این آیات به آنها اشاره دارد؛ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً (نساء/ 92) و وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا (نساء/ 93) و يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يَبَايَعْنَكَ عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِهْتَانٍ يَقْتَرِبْنَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ (ممتحنه/ 12).

2. مصالح فرد در کانون خانواده؛ مانند تأمین نیازمندی‌های اعضای خانواده از سوی سرپرست خانواده و حفظ اموال و دارایی‌های اعضای خانواده و جلوگیری از فروپاشی خانواده. در این آیات این مصالح مورد اشاره قرار گرفته است؛ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ (بقره/ 233) و وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا (اسراء/ 23).

3. مصالح مالی فرد؛ برخی از قوانینی که در قرآن آمده، برای حفظ مصالح مالی و در عین حال فردی است؛ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ (بقره/ 188)؛ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ (انعام/ 152) و إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا (نساء/ 10).

ب) مصالح عمومی

در بعد مصالح عمومی در قرآن و فقه اسلامی، قوانینی وجود دارد که مردم و مسلمانان را از تصرف در اموال دولتی که در شمار مصالح دولتی قرار می‌گیرد، باز می‌دارد. این قوانین و مقررات بدان جهت تشریع شده که مصالح حکومت اسلامی رعایت گردد؛ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُوا اللَّهَ (انفال/ 1)؛ «؛ (ای پیامبر!) از تو درباره غنایم (جنگی و ثروت‌های بدون مالک مشخص)

پرسش می‌کنند؛ بگو: «غنایم (جنگی و ثروت‌های بدون مالک مشخص) مخصوص خدا و فرستاده [ی او] است؛ پس، خودتان را از [عذاب] خدا ننگه دارید».

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أُوجِفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (حشر/ 6)؛ «و آنچه از (غنایم) آن (یهودی)ها که خدا به فرستاده‌اش باز گردانده است، پس برای (به دست آوردن) آن هیچ اسب و شتری نتاختید؛ و لیکن خدا فرستادگانش را بر هر کس بخواهد مسلط می‌سازد؛ و خدا بر هر چیز تواناست».

ج) مصالح اجتماعی

بخشی از قوانین حقوقی قرآن، ناظر به حفظ مصالح کلی جامعه انسانی و اسلامی است تا آنجا که گاه ضرورت می‌یابد، مصالح فردی فدای آن مصالح همگانی شود. آیاتی که مبارزه با اهل بغی را لازم می‌دانند، از این دسته است. یکی دیگر از اصول تشریعی اسلام توجه به مصالح جمع است. چنان که بعضی از احکام که نسخ آن به مصلحت عموم بوده است، نسخ گردید. این احکام در آیات وصیت و آیات میراث گفته شده است.

تحويل قبله از مسجد الاقصی به سوی کعبه نیز از آن جمله است حفظ منابع عمومی نیز از مصالح اجتماعی است که می‌توان از آن به مصلحت حفظ منابع طبیعی مانند جنگل‌ها، نفت، گاز، آب و... و منابع انسانی مانند حمایت خویشاوندان و تربیت کودکان و پرستاری معلولان یاد کرد؛ فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمْلَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ (بقره/ 282)؛ «و اگر کسی که حق برعهده اوست، سبک‌سر یا (از نظر عقل) کم‌توان باشد، یا (به خاطر گنگ بودن) نمی‌تواند خود دیکته کند، پس باید سرپرستش (به جای او)، بر اساس عدالت، دیکته کند».

بخشی از آیات قرآن برای حفظ اخلاق عمومی که یکی از مصالح اجتماعی است، محدودیت‌هایی را برای افراد بیان می‌کند؛ مانند قوانینی که در باره قمار، فحشا و... وجود دارد؛ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهَا إِثْمٌ كَبِيرٌ (بقره/ 219)؛ «از تو درباره شراب و قمار می‌پرسند؛ بگو: «در آن دو، گناه [و زبانی] بزرگ و سودهایی برای مردم است». إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ (مائده/ 91)؛ «شیطان، به سبب شراب و قمار می‌خواهد در بین شما فقط دشمنی و کینه ایجاد کند».

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً (نور/ 4)؛ «و کسانی که زنان پاکدامن را (به زنا) نسبت می‌دهند، سپس چهار گواه (بر مدعای خود) نیاورند، پس آنان را هشتاد تازیانه بزنید». الرَّائِيَّةُ وَالرَّائِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ (نور/ 2)؛ «زن زناکار و مرد زناکار، هر یک از آن دو را صد ضربه تازیانه بزنید». وَلَا تَقْرَبُوا الرِّتِي إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا (اسراء/ 32)؛ «و نزدیک زنا نشوید؛ [چرا] که آن، زشتکاری و بد راهی است».

ده - هدفمندی احکام

اهداف و مقاصد شریعت و احکام اسلامی دارای قلمرو گسترده‌ای است که خود نوشتاری جداگانه می‌طلبد ولی به اختصار چند نکته در

1. بخشی از احکام فقهی برای تهذیب روح و تزکیه نفوس افراد وضع شده است؛ چنان که در قرآن کریم آمده است: إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ... (عنکبوت/ 45)، كَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره/ 183) و درباره شراب و قمار آمده است: إِنَّمَا الْحَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجَسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ (مائده/ 90).

نمونه‌هایی از این قبیل در قرآن و روایات فراوان است که مقاصد و اهداف شریعت را تزکیه افراد دانسته است. معمولاً در بخش عبادات فقه، اهدافی چون پرورش انسان و قرب الی الله و تزکیه معنوی مورد نظر شارع است. توجه به تهذیب و تعالی روح در احکام اسلامی موجب شده است که در مواردی حرمت تکلیفی موجب ابطال معاملات شود و اثر حقوقی مشخص و روشنی داشته باشد؛ مثلاً فقها تحت عنوان روایت «؛اذا حرم الله شیئاً حرم ثمنه؛ وقتی خداوند چیزی را حرام کرد، پولش نیز حرام می‌باشد» مباحثی را مطرح کرده‌اند و مکاسبی را به عنوان مکاسب محرمة برشمرده‌اند که برخی از آنها حرمت وضعی نیز دارند؛ یعنی فاسد و بی‌اثر است (ر.ک: مرتضی انصاری، مکاسب، 4-6، 15 و...). این مباحث در دیگر نظام‌های حقوقی چندان جایگاهی ندارد و این موارد را دستورات صرفاً اخلاقی تلقی می‌کنند.

2. اقامه عدل در جامعه نیز از اهداف فقه اسلام می‌باشد؛ چنان که در آیات و روایات فراوانی بر این نکته تأکید شده است. در قرآن عدالت در تشریع همچون عدالت در تکوین و خلقت مهم شمرده شده است. در قرآن کریم می‌خوانیم: وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَانُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَثَا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (مائده/ 8)؛ «؛و البته کینه‌ورزی گروهی، شما را وادارند بر این که عدالت نکنید؛ عدالت کنید! که آن به خود نگه‌داری نزدیک‌تر است». يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ... (نساء/ 135)؛ «؛ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر پادارندگان دادگری باشید؛ برای خدا گواهی دهید، و گر چه (این گواهی) به زیان خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان (شما) باشد».

3. رعایت مصالح در تشریع احکام و اجرای آن نیز از مسائلی است که در فقه اهمیت فراوان دارد؛ بدان معنا که اگر احکام تابع مصالح و مفاسد هستند، باید با رعایت الاهم فالاهم، مهم را فدای اهم کرد. تقیه در اجرای احکام در بعضی از موارد که از واجبات مذهب امامیه است، از همین قبیل می‌باشد، چنان که وضع احکام ثانوی و حکومتی نیز به دلیل رعایت مصالح اهم است. ابتنای احکام بر مصالح و لزوم تشریع مبتنی بر جلب مصالح و دفع مفاسد از گزاره‌های منظومه کلامی مذهب امامیه است. بر مبنای این آموزه تشریع لزوماً تابع وجود مصالح و مفاسدی است که شارع آن را در نظر دارد ضرورت و وجوبی «؛عن الله» نه «؛علی الله» آن گونه که معتزله مدعی هستند.

استقرا در آیات الهی نشان می‌دهد که موارد بسیاری وجود دارد که قرآن کریم حکمت تشریع حکم را نیز بیان کرده است. از آن جمله می‌توان به موضوع مهم قصاص اشاره نمود؛ وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره/ 179). مذاقه در این شریفه نشان می‌دهد که در تشریع قصاص هم مصلحت دنیوی مدنظر بوده است (یعنی حیات و بازدارنده بودن حکم قصاص نسبت به اقدام کردن به سلب حیات دیگران) و هم مصالح اخروی که در «؛لعلکم تتقون» مورد اشاره است. البته انتهای آیه بی‌مناسبت با متن آیه نیست؛ چرا که خود به جنبه بازدارندگی تشریع قصاص توجه می‌دهد.

اساس قانون‌گذاری در قرآن رعایت مصالح و مفاسد است و مصلحت‌سنجی از جمله مهم‌ترین مبانی و معیارهای آرای حقوقی قرآن است. در اندیشه دین‌داران و آنان که قرآن را کتاب آسمانی می‌دانند، احکام، قوانین، حقوق و ضوابط ارتباط افراد با همدیگر و افراد با اجتماع و دولت، همگی دارای حکمت و فلسفه خاصی است؛ چرا که در اندیشه این افراد خداوند عالم و حکیم است و لازمه علم و حکمت، رعایت مصالح برتر است، چه در اصل خلقت و آفرینش و چه در تعیین حقوق و قوانین؛ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا

یازده - رعایت مصلحت فرد و جامعه

از پرسش‌های اساسی در مباحث حقوقی آن است که آیا هدف تمام قواعد باید آسایش و آزادی فرد باشد یا غرض، تأمین نیازمندی‌های اجتماع است و فرد به عنوان جزئی از آن مورد توجه می‌باشد یا سرانجام باید امر سومی را هدف اصلی قرار داد؟ دیدگاه‌های مختلفی مانند نظریه حقوق فردی و مکتب اصالت اجتماع در این باره مطرح شده است (ر.ک: سمیر عالی، علم القانون و الفقه الاسلامی، 121). به طور کلی، نظریه اصالت حقوق فردی و اصالت حقوق اجتماعی در دو طرف افراط و تفریط واقع شده است؛ لذا در این بین، نظریات معتدلی ارایه شد و عده‌ای کوشیده‌اند تا با تلفیق دو نظریه سابق، راه سومی را ابراز دارند.

مکتب اصالت فرد در بحث به کارگیری حق در موقعی موجب ضرر به غیر شود، می‌گوید: مالک آزادی مطلق دارد که هر طور خواست از حق خود استفاده کند، حال هر نتیجه‌ای بر آن مترتب شود، بشود و مکتب اصالت اجتماعی می‌گوید: وی هیچ حقی و سلطه‌ای ندارد، بلکه باید حق خود را در راه مصلحت اجتماع به کار گیرد، لکن راه مناسب آن است که بین دو نظریه جمع شود (همان، 126).

قوانین مربوط به احوال شخصی، مجموعه‌ای از اصول عادلانه‌ای است که بر اساس احوال شخصی انسان در خانواده پایه‌گذاری شده است. اسلام برای آن، نظام کاملی را به طور مفصل که شامل مسائل ازدواج، طلاق، بارداری، عده، شیردادن و شیرخوارگی، نفقه، میراث و حقوق فرزندان و اقوام می‌باشد، قرار داده است. در احکام کلی آن چنان وسعتی وجود دارد که مجتهد می‌تواند از آن قابلیت استفاده کند و احکامی را متناسب با زمان‌ها و مکان‌های متغیر استنباط نماید.

دوازده - جامعیت

اسلام در بعد تشریع احکام از جامعیت کاملی برخوردار است که در هیچ یک از شرایع قبلی و نیز تشریعات بشری، چنین جامعیت و گستردگی به چشم نمی‌خورد. اسلام در سه بعد عبادات، معاملات و انتظامات، دیدگاه‌های مشخصی دارد و در تمامی جوانب این سه بعد، به طور گسترده نظریه‌های خود را ارایه داده، بشریت را برای رسیدن به سعادت حیات (مادی و معنوی) به پیروی از خود فرا خوانده است.

عبادات اسلام، انسان را به پاکی و صفای درون و می‌دارد، او را از آلائش‌ها پاکیزه نگاه می‌دارد، روح او را آرامش می‌بخشد و رابطه انسان را با ملکوت اعلا مستحکم می‌سازد و این خود موجب تقویت روح انسان و پاکی و صفای او است. با تأمل در اوراد و اذکار نماز و خلوص و توجه قلب به ساحت قدس الهی و نیز مقاومت درونی که از راه روزه حاصل می‌گردد و همچنین با دقت در دیگر ادعیه و عبادات واجب و مستحب، به ویژه به لحاظ انجام دادن آنها در اماکن مقدسه، این نتیجه به دست می‌آید که تمامی اینها از یک برنامه حساب شده برای پاک‌سازی و طهارت درون انسان و رشد و تکامل او حکایت دارد.

از عبادات که بگذریم، ابواب معاملات و در کنار آن احکام انتظامی اسلام، آن‌اندازه گسترده و فراگیر است که مایه حیرت دین‌پژوهان گردیده است. اصولاً شریعتی به گستردگی شریعت اسلام که تمامی ابعاد حیات جامعه را زیر دیدگاه خود قرار داده باشد و در هر یک

سبزه - عقل گرایی

قرآن عقل را مخاطب قرار می‌دهد. عقل مسئول تکالیف انسان است، خصوصاً در آنچه به امور دنیا و شناخت پروردگار مربوط می‌باشد؛ فَأَعْتَبُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ (حشر/ 2) و أَفَلَا تَعْقِلُونَ (آل عمران/ 65 و آیات دیگر). از پیامبر اکرم(ص) روایت است که فرمود: ««؛إنما يرتفع العباد في الدرجات عند ربهم على قدر عقولهم» (بحارالانوار، مجلسی، 74 / 160) به درستی که عقل‌های بندگان باعث بالا رفتن درجات نزدیکی به الله می‌شود».

یکی از ویژگی‌های ممتاز آیات حقوقی قرآن، مطابقت با گزاره‌های یقینی عقلی است. معارف و احکام عرضه شده از سوی قرآن در جایگاه بلندی قرار دارد و از هر گونه آلودگی و وهم پاک و از خرافات به دور و از گرایش‌های انحرافی میرا و خالص است. گرایش‌های منحرف‌کننده‌ای که ممکن است در قوانین وضعی تأثیرگذار باشد. تجربه نشان داده که این امکان، در اکثر قوانین وضعی بشری تحقق یافته است. حتی انسان‌های بزرگ، هر چند سعی در پرهیز از گرایش‌های قومی، نژادی، منطقه‌ای، گروهی و صنفی نموده‌اند، باز ناخودآگاه در این زمینه دچار لغزش شده‌اند.

چهارده - سبک‌های مختلف بیان احکام

بیان قرآن در زمینه احکام همواره در قالب امر و نهی نیست، بلکه گاهی در قالب نقل یک داستان حکمی را بیان می‌دارد؛ إِيَّا أُرِيدُ أَنْ أَكْثَحَ إِحْدَى ابْنَتَيْ هَاتَيْنِ عَلَى أَنْ تَأْجُرْنِي ثَمَانِي حِجَجٍ (قصص / 27). این آیه در مقام بیان واقعه‌ای تاریخی است، ولی به دلیل نقل قرارداد اجاره حضرت شعیب و موسی8 و رد نکردن آن، فقها مشروعیت عقد اجاره را استنباط نموده‌اند.

بسیاری از احکام شرعی به صراحت در قرآن ذکر شده است: مثل وجوب روزه، نماز، زکات، وفای به عهد، ادای امانت، جهاد فی سبیل الله، امر به معروف و نهی از منکر، و حرمت شرب خمر، قمار، بغی و تعدی به حقوق دیگران، قتل نفس و... . بعضی از احکام شریعت که نوعاً شامل تفصیل احکام و بیان مصادیق و حدود و شرایط قوانین قرآنی می‌شود، گرچه به صورت صریح در قرآن نیامده و باید از سنت گرفته شوند، اما این قرآن است که ما را به سنت ارجاع می‌دهد؛ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا (حشر/ 22). آیات دیگری که به اطاعت از پیامبر (ص) و اسوه قراردادن او فرمان می‌دهد. امامیه بنا به دستورات صریح پیامبر اسلام(ص) مثل حدیث ثقلین، سنت معصومان: را نیز حجت و معتبر می‌دانند و بیان آنان را تفسیر قرآن و تبیین سنت پیامبر(ص) می‌دانند که آیاتی نظیر آیه تطهیر هم بر این واقعیت صحه می‌گذارد.

از سوی دیگر، قرآن معمولاً احکام را به صورت کلی ذکر می‌کند؛ مثل: أَوْفُوا بِالْعُقُودِ (مائده / 1)؛ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ (حج / 30) و وَأَحْلِلْ اللَّهُ التَّبِيعَ (بقره / 275) در این موارد فروع حکم باید از سنت گرفته شود. قرآن در مواردی نیز به صورت جزئی هم وارد می‌شود و همه فروع را ذکر می‌کند؛ مثل ابواب جهاد، عقوبات، ازدواج و طلاق و میراث که این رویکرد قرآن برای جلوگیری از نزاع می‌باشد.

پانزده - ضمانت‌های اجرای قانون

بدون تردید، در عین لزوم اتقان قانون، باید راهکارهای سنجیده‌ای در جهت اجرای قانون دیده شود. در نظام‌های حقوقی بشری ضمانت اجرای قانون عمدتاً اعمال مجازات‌ها برای متخلفان است؛ راهکاری که در مقام عمل کاستی آن ملموس است، ولی در قرآن برای این مهم، چاره‌جویی مناسبی به عمل آمده است. اسلام برای تحقق اهداف عالی خود راهکارهای اساسی را مطرح نموده است. این راهکارها بدین قرار است:

1. تهذیب نفس توسط خود انسان؛ قرآن این راهکار را از طریق جامعه‌ای اسلامی که بر اساس پایه‌های استقامت، محبت، پاکی، تعاون و همکاری در خوبی‌ها و تقوا پایه‌ریزی می‌شود، محقق می‌نماید.

2. نظارت و حضور عمومی در قالب امر به معروف و نهی از منکر.

3. برپایی و اجرای حدود؛ همان وسیله‌ای که قانون جزایی اسلام برای حمایت از ضروریات مهم حیات تدوین نموده است؛ برای نمونه، قرآن برای حمایت از دین، حد ارتداد؛ برای حفاظت از نفس، حد قصاص؛ برای حفاظت از عقل، حد شراب‌خواری و نیز برای حمایت از ناموس و نسل جامعه حدود زنا و بهتان را مقرر و تشریع نموده است.

4. پیشگیری از جرم؛ به حق از بزرگ‌ترین دلایل عظمت و بزرگی قرآن، تشریع برای پیشگیری از جرم و جنایت می‌باشد. سختگیری‌های تصویب شده در قوانین اسلامی چنان با ظرافت طرح‌ریزی شده که همه جوانب عدالت، حکمت و رحمت را شامل است؛ به گونه‌ای که ضمن منع کردن از انواع تجاوزها، امنیت و آسایش را برای بندگان خداوند به ارمغان می‌آورد.

نتیجه

حاصل سخن اینکه، قرآن با اشاره به مبانی و اصول حقوقی، اعجاز معارف قرآن را به نمایش گذاشت تا جایی که قوانینی عالی از فردی درس ناخوانده و ارایه آن در نظامی هماهنگ و دارای ویژگی‌های خدامحوری و مبتنی به وحی و عدالت‌محوری است و از همه مهم‌تر مراعات طاقت بشر و دوری از خطا و انحراف و توجه به مصالح فردی و عمومی در آن نهفته است.

منابع

1. امین شیرازی، احمد، اسلام پزشک بی‌دارو، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، 1373 ش.

2. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، چاپ چهارم، 1404 ق.

3. رضایی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت، کتاب مبین، 1380 ش.

4. مصباح یزدی، محمد تقی، حقوق و سیاست در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1378 ش.

5. سمیر عالیہ، علم القانون و الفقه الاسلامی، بیروت، المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر، چاپ دوم، 1996 م.

6. دیاب، عبدالحمید و احمد قرقوز، طب در قرآن، ترجمه چراغی، تهران، انتشارات حفظی، بی تا.

7. اهتمام، احمد، فلسفه احکام، اصفهان، چاپخانه اسلام، 1344 ش.

8. انصاری، شیخ مرتضی، المکاسب، قم، انتشارات مطبوعات دینی، 1369 ش.

9. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسة آل البيت، 1408 ق.

10. نهج الفصاحة، مترجم و گردآورنده ابوالقاسم پاینده، بی جا، سازمان انتشارات جاویدان، چاپ هفدهم، بی تا.

حجت الاسلام دکتر سید حمید جزایری (عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه)

منبع: مجله قرآن و علم شماره 10